

حکومت هرچه
صادق تر باشد،
بهبتر است. به نظرم
حکومت‌ها
در این باره کلاً
صادق هستند،
اما در عین حال
نمی‌خواهند مردم
را هم نگران کنند،
لذا گاهی اوقات به
قدر لازم شفافیت به
خرج نمی‌دهند.

سرخک، مسأله تدارکاتی بود. برخی از این خانواده‌ها مثلاً ده بچه داشتند، و لازم بود یک مرکز سلامت در میانه اجتماعشان باشد تا رسیدگی‌های لازم را انجام دهد. همچنین تصورشان این بود که چون یک اجتماع درهم‌تنیده هستند که بیشتر میان خودشان تعامل دارند، پس چندان در معرض بیماری قرار نمی‌گیرند و لذا ریسک ابتلای بچه‌هایشان هم کمتر است.

پس، دوباره، اولین کاری که باید انجام داد این است که پیش‌فرض‌های اولیه را کنار گذاشت، سراغ مردم رفت، و با آن‌ها حرف زد، و نه فقط درباره آن مسئله خاصی که گمان می‌کنیم وجود دارد. برخی از افراد در آن اجتماع می‌خواستند مطمئن باشند که ما به سلامت آن‌ها به‌طور کلی، در طول زندگی‌شان، اهمیت می‌دهیم. آن‌ها باید می‌دیدند که ما نیامده‌ایم تا فقط یک مورد را در فهرست کارهایمان خط بزنیم، بلکه به کلیت وضع آن‌ها توجه داریم.

همچنین برخی افراد احساس می‌کنند که فقط در حد عدد و رقم شمرده می‌شوند و دولت به وضع آن‌ها اهمیتی نمی‌دهد. پس باید تلاش کرد تا وضعیت افراد را درک کرد. گاهی هم مسئله اساساً تکنیکی است، مثل مشکلی که با واکسن فلج اطفال در کپسول ژلاتینی یا واکسن استنشاقی آنفولانزا برای کودکان داشتیم، و همین بس بود که روش ارائه واکسن را عوض کنیم. ۱۰

